

سورة نمل و ظهور

(اين نوشتار به وحى الهى ست)

در نوشتار حاضر به آیاتی از سوره نمل اشاره میکنیم که مستقیماً به ظهور فرزندان شهریار ولی مربوط و وابسته اند. پیشتر آیه ای دیگر را که به تاریخ تعیین شده برای ظهور میپردازد خاطرنشان کردیم و گفتیم که به چه دلیل تاریخ مزبور که ۱۹ فروردین را نشان میداد بتأخیر افتاد. آیاتی را که اینک بآنها میپردازیم نه تنها تاریخ پیگیر ظهور را عیان میسازند بلکه معجزه ای را نیز که آمدن شهریار ولی در بر دارد به اذهان ایمانداران القا میکنند. باشد تا بدینوسیله بدانند که دایره و حدود اختیارات ما پروردگار هرگز بر حسب احتمالات نیست بلکه قطعیت جزئی لاینفک از راه و ورش سلوک برای ماست. آیاتی را که در نظر داریم در ذیل میآوریم:

وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ﴿٦﴾

و تو برآستی قرآن را از نزد حکیمی دانا دریافت میداری. (۶)

إِنْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٧﴾

[یاد کن] زمانی را که موسی به خانواده اش گفت برآستی من آتشی را از دور دیدم و بزودی خبر آنرا بر شما آورده یا شعله ای از آن برایتان می آورم تا خود را گرم کنید. (۷)

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨﴾

پس هنگامی که بنزد آن آمد ندا رسید که پر برکت باد آنکه در آتش است و آنکه پیرامون آن است، و منزّه و پاک است خدا که پروردگار جهانیان است. (۸)

يَا مُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٩﴾

ای موسی! به یقین این منم خدای عزیز حکیم،

وَأَلْقَ عَصَاكَ فَلَمَّا رَأَتْهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ ﴿١٠﴾

و عصایت را بیفکن. پس چون آن را دید که بسان ماری حرکت می کند، پشت کنان قصد فرار داشت [تا ندا رسید:] ای موسی! نترس که براستی پیامبران را در نزد من ترسی نیست، (۱۰)

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١﴾

مگر کسی (از آنان) که ستمی کند سپس (آگاهانه) آن بدی را به نیکی گرایاند که من بسیار آمرزنده و مهربانم، (۱۱)

وَأَدْخُلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا فَاسِقِينَ ﴿١٢﴾

حال دست در گریبان کن تا بی هیچ عیب یا کاستی، سفید و درخشان بیرون آید، و این یکی از ۹ نشانه ای است که بر فرعون و قومش عرضه شد در حالیکه آنان قومی بودند بدکار و فاسق. (۱۲)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١٣﴾

پس هرگاه آیات و نشانه های روشن ما بر آنها عرضه شد آنرا سحری آشکار خواندند. (۱۳)

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤﴾

و انکار کردند آنرا از سر ظلم (به خویشتن) و خودبینی اگر چه به (حقانیت) آن در دل یقین داشتند و بنگر که فسادگران چگونه سرانجامی دارند. (۱۴)

از چند آیه که بگذریم به آیه ای میرسیم که در بطن خود اشاره به آمدن شهریار ولی دارد و آن آیه ذیل است:

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ
الصَّالِحِينَ ﴿١٩﴾

پس سلیمان از گفته اش به خنده افتاد و گفت: پروردگارا، به من این امکان را ده تا شکر نعمت را بجا آورم و شکر نعمتی را نیز که به والدینم عطا کردی و اینکه عمل صالح بوده رضای ترا تأمین کند و مرا برحمتت در میان بندگان صالحت درآور.

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهَدُودَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ﴿٢٠﴾
و [سلیمان] جویای پرندگان شده (هدد را در میانشان نیافت) و گفت چگونه است که هدد را نمیبینم بلکه از غایبان است. (۲۰)

لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِنِي بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٢١﴾
که او را به عذابی شدید دچار کنیم یا به ذبح سپاریم تا مگر دلیلی محکم و آشکار (برای غیبتش) آورد.

اجازه دهید از چند آیه بعد نیز رد شده به آیه ای رسیم که در خصوص ظهور شهریار ولی و تذکر به ایمانداران نقش کلیدی دارد.

وَجَدَتْهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾

یافتم او و قومش را در حالیکه بجای خدا بر خورشید سجده میکردند و این شیطان بود که اعمالشان را بر آنها آراسته آنانرا از راه راست بازداشته بود و بدین سبب (هرگز) هدایت نمیابند. (۲۴)

اینک به شرح آیاتی که در بالا آمد میپردازیم تا ایمانداران بدانند که چگونه آمدن شهریار ولی را در بطن آیه هایی از قرآن گنجاندیم تا در چنین روزی بدست فرزند رمزکشایی گردند. آیه ششم اشاره دارد به القای قرآن به پیامبر اکرم از جانب حکیمی دانا. ما پروردگار بعمد عنوان القا کننده را مسکوت گذاردیم تا اینکه در چنین روزی صاحب این صفاتعالیه را آشکار سازیم. بدانید که حکیمی دانا در این آیه کسی نیست مگر خدای کهتر شهریار ولی که سه بعد اصلی ما پروردگار را نمایندگی میکند که شامل عشق و نور و علم الهی اند. هر گاه کسی از میان کروبیان نسبت به موضوعی طالب آگاهی و علم بیشتر باشد این شهریار است که میتواند رموز مورد نظر را بگشاید. قرآن کتابی ست که از سینه مبارک شهریار ولی که با قلب اقدس ما در ارتباطی مستقیم واقع است بمنصه ظهور پیوست. در ادامه آیاتی میایند که در اشاره به رسیدن موسی به آتشی اند که از میان آن ندایی از جانب ما دریافت داشت. بی تردید، بودن صدایی داخل آتش نباید اینرا به ذهن القا کند که ما پروردگار عرش خود را رها کرده در آن موضع قرار گرفتیم. حقیقت اینبود که فرشته ای مأموریت یافت تا بوته مزبور را با حضور خود متبرک ساخته از میان آن موسی را مورد خطاب قرار دهد. این فرشته کسی جز میکائیل نبود و در اینجا مأموریت اینرا داشت که بعنوان امتدادی از ذات اقدس ما انجام وظیفه نماید. اینکار صورت گرفت و موسی با ابعاد رسالتی که باو داده بودیم آشنا گردید. دو آیه ۱۳ و ۱۴ به این اشاره دارند که آنچه را که موسی عرضه داشت مورد انکار قرار گرفت. واژه جائتھم در اینجا کلیدی ست زیرا گرچه در ظاهر آمدن و حدوث معجزات را میرساند ولی در باطن به امری اشاره دارد که هنوز واقع نشده و آن آمدن شهریار ولی ست که خود معجزه ای عظیم در بر دارد. این در حالست که فرعونیان زمان با وجودیکه در دل یقین به حقانیت شهریار ولی دارند ویرا دروغزن پنداشته رسالت الهی اش را مردود خواهند شمرد. آیه ۱۹ در ارتباط با مراوده ای ست که سلیمان با مور داشت و شکرگزاری و درخواست وی از درگاه پروردگار مبنی بر دادن عافیت به او و خانواده اش در دنیا و آخرت میباشد. در اینجا به رمزکشایی از بطن این آیه میپردازیم تا گزینش تاریخ

۱۹ مرداد برای ظهور شهریار ولی بر همگان روشن گردد. آنچه سلیمان در خلال این دعا بر زبان آورد اسم اعظم بود و قسم دادن ما پروردگار به بخش از این اسم که به شهریار ولی مربوط و وابسته است. این اتفاقی نیست که این بخش از اسم اعظم دارای ۱۹ حرف است: شهریار ولی رب و صاحب عرش. ممکن است برخی از شما بر شهریار ولی خرده گیرند که چگونه از بطن این آیه چنین تاریخی را استخراج میکند. ما پروردگار در پاسخ اینرا میگوئیم که شهریار ولی در اینکار نقشی نداشته بلکه تابع خواسته و مشیت ما بوده و میباشد. حال اگر این جسارت را دارید که بر ما خرده گیرید در واقع برای خود دلیلی بیشتر به عذاب اخروی پیش آورده اید. ما اینگونه جسارت ورزی را سبک نمیشماریم خاصه وقتی نام فرزندان شهریار در میان باشد. در اینکه چرا باید چنین آیه ای را به ماه مرداد ارتباط دهیم توضیحی در اینجا ارائه میشود. ماه مرداد در نیمه تابستان واقع است و نوزدهم این ماه زمانی ست که میتوان گفت خورشید در حداکثر تابندگی خود بسر میبرد. در اینکه خورشید نمادی از شهریار ولی یا متیراست پیشتر سخن گفته ایم. اینک با بیرون فرستادن شهریارمان در چنین تاریخی این واقعه بهینه را به اوج تابندگی خورشید پیوند میدهیم. آیه ۲۱ از این سوره نیز که شرحش در بالا آمد به درخواست سلیمان برای دانستن جایگاه هدهد و چرایی تأخیر برای بودن در محضرش اشاره دارد. از تفسیر ظاهر آیه که بگذریم آیه تأویلی را بروشنی به ذهن میآورد و آن آمدن سلطانی مبین و آشکار میباشد که مورد نظر ما در اینجا آمدن و ظهور شهریار ولی ست. حال به توضیح آیه ۲۴ میپردازیم که بنحوی رمزگونه اشاره به آمدن شهریار ولی دارد. پس از آنیکه هدهد سلیمان را از جایگاه بلقیس و بارگاه خاص و تخت شاهی وی آگاه کرد چنین ادامه داده به خورشید پرستی بلقیس و قومش اشاره کرد. بی تردید دانایانیکه به این آیه نظر کنند در میابند که مراد از پرستش خورشید همانا مهرپرستی ست که در دنیای عتیق رواج داشت. ما پروردگار این راه و روش انحرافی و مشرکانه را بدست سلیمان سست کردیم. بعدتر نیز یعنی سالها پس از رحلت مسیح این آئین را با ترفندی که میدانستیم بکلی از میان برداشتیم.

اینکه آمدن شهریار ولی را در بطن این آیه گنجاندیم باید برای ایمانداران حاوی درسی باشد. شهریار ما دنیا باز می‌گردد و این آیه شریفه باید در گوش شما آویزه ای باشد که نباید هرگز اندیشه پرستیدن فرزند را بذهن آورید تا مبادا به سرنوشت قوم بلقیس و دیگر مشرکین دچار گردید. تاریخ ۱۹ فروردین را که در جای دیگر از قرآن مذکور ساختیم بیش از هر چیز اینرا می‌رساند که ما پروردگار برای نجات ملت ایران اولین و نزدیک ترین تاریخ ممکن را در نظر داشتیم. چنانچه میخواستیم میشد شهریار ولی را در چنان تاریخی بسوی شما گسیل داشت. اما آنچه تاریخ اصلی ظهور شهریار ولی یعنی ۱۹ مرداد ماه صورت داد اینبود که میزان صبر و بردباری شما ملت را به چالش کشاند و شما را به مرحله ای رساند که اگر یک روز بیشتر تأخیر میشد بیم آن میرفت که دلهای بسیاری از دست روند و شیطان برای جذب آنها مهلت یابد. دلیل دیگر اینبود که میخواستیم در دل ایمانداران این شبهه را ایجاد کنیم که نکند شهریار ولی آیات قرآن را به بازی میگیرد. در اینجا با رفع این شبهه اظهار میداریم که شهریار ولی هرگز چنین خبطی را به ذهن راه نداده عنصری که باو دادیم یکسره پاکیزگی و راستی و درستی را نمایندگی میکند. نام سوره ای که این آیه را در بر دارد به مورچه ای اختصاص یافت که با سلیمان نبی گفتگویی نمادین صورت میدهد. البته لازم بذکر است که مورچگان قادر به چنین حکمت ورزی نیستند و اینگونه دانایی را تنها خاص نوع بشر قرار دادیم. مکالمه ای که در قرآن آمده دارای ارزش تذکر و تدبّر میباشد و اهمیت حائز بودن جان را به خلائق خاطرنشان میسازد ولو اینکه در موجودی ریزنقش چون مورچه باشد. حال به آیه ای میپردازیم که بطرزی مستقیم ولی رمزگونه به تاریخ ظهور شهریار ولی اشاره دارد. اما اینکه ذکر ظهور شهریار ولی را در میان سوره نمل آوردیم بدین خاطر بود که ذهن شهریار نیز همچون سلیمان به رمز و راز مراوده جانداران راه دارد. این قدرت را در آینده ای نه چندان دور به شهریارمان اعطا میکنیم که خود خاستگاه معجزاتی خارق العاده خواهد بود. عشق شهریار ولی را در دل گذارید و بدانید که حیات انسان و موجودات دیگر و نیز حرکات و گردش کائنات

وابسته به حضور شهریار ولی در میان عالم است. این عشق ورزی کاری
ست که شما را به آستان ما نزدیک و راه رستگاری را برای پیمودن هموار
میسازد. عالم اینرا بداند...